



University of Shahid Beheshti
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232484.1253>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.8.6>

Research Paper

The Migration of Iranian Baluchis to East Africa: A Successful Paradigm for the Persistence of Identity and Cultural Interaction

1. Amirbahrām Arabahmadi 

1. Associate Professor, Department of West Asia & Africa, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: arabahmadi@ut.ac.ir

Received: 2023/07/24 PP 159-182 Accepted: 2023/08/28

Abstract

The aim of this article is to draw an overall picture of the past and present situation of Iranian Baluchis in East Africa and the way they adapt to the new environment, based on an examination of various aspects of the reasons and ways of migration. Identifying the reasons for Baluch migration to East Africa and the impact of their presence on the indigenous population (and vice versa) are the main objectives of this article. The hypothesis of the article is that the indigenous population of East Africa welcomed the immigrants and established an amicable relationship with them. The theoretical framework of this article is based on the “interactive theory of acculturation and integration index in acculturation model” by Richard Bourhis. The author has attempted to examine the cultural interaction between Baluch immigrants and East African natives through qualitative content analysis, analysis of historical sources and field research as well as personal observations. The bilateral socio-cultural consequences of Baluch immigration to East Africa are considered as independent variables.

Keywords: Baluchis, East Africa, Iran, migration, culture, cultural integration.

Citation: Arabahmadi, Amirbahrām .2023. «*The Migration of Iranian Baluchis to East Africa: A Successful Paradigm for the Persistence of Identity and Cultural Interaction*», Journal of History of Iran, autumn and Winter, Vol 16, No 2, PP 159-182



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



دانشگاه شهیدبهشتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

مجله تاریخ ایران

سال ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۴۰۲
شاپا الکترونیکی: 2588-6916
شاپا: 2008-7357



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232484.1253>

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.8.6>

مقاله پژوهشی

مهاجرت بلوچ‌های ایرانی به شرق آفریقا: پارادایمی موفق از حفظ هویت و تأثیر و تأثر متقابل فرهنگی

۱. امیربهرام عرب احمدی

۱. دانشیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان، تهران، ایران. رایانامه: arabahmadi@ut.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲ صص ۱۶۰-۱۸۲ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

چکیده

این مقاله با بررسی چندوجهی دلایل و چگونگی مهاجرت تاریخی بلوچ‌های ایرانی به شرق آفریقا، درصدد است تصویری کلی از وضعیت گذشته و حال ایرانیان مهاجر به شرق آفریقا و نحوه تطبیق آنها با محیط جدید ترسیم نماید. سؤالات اصلی مقاله عبارت‌اند از: چه عواملی موجب مهاجرت بلوچ‌ها به منطقه شرق آفریقا شد؟ و حضور آنها چه تأثیری بر بومیان این منطقه داشت و بالعکس؟ فرضیه مقاله این است که جمعیت بومی شرق آفریقا از بلوچ‌ها به گرمی استقبال و با آنها روابط دوستانه‌ای برقرار کردند. چارچوب نظری مقاله براساس نظریه «الگوی فرهنگ‌پذیری تعاملی و شاخص یکپارچگی در مدل فرهنگ‌پذیری» پروفیسور ریچارد بورهیس، استاد رشته روانشناسی اجتماعی دانشگاه کبک کانادا، است. نویسنده با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی همراه با تحلیل منابع تاریخی و مطالعات میدانی (و مشاهدات عینی)، تأثیر و تأثرات متقابل فرهنگی مهاجران بلوچ و بومیان شرق آفریقا را بررسی می‌کند. در عین حال، نتایج متقابل فرهنگی و اجتماعی حاصل از اقامت بلوچ‌ها در شرق آفریقا به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: بلوچ‌ها، شرق آفریقا، ایران، مهاجرت، فرهنگ، یکپارچگی فرهنگی.

استناد: عرب احمدی، امیربهرام، ۱۴۰۲. «مهاجرت بلوچ‌های ایرانی به شرق آفریقا: پارادایمی موفق از حفظ هویت و تأثیر و تأثر متقابل فرهنگی»، مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۱۶۰-۱۸۲.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

یکی از مهاجرت‌های مهم در تاریخ ایران که به‌رغم تأثیرات نسبتاً چشمگیر آن هنوز مورد توجه بسیاری از محققان قرار نگرفته، مهاجرت گروهی از بلوچ‌های ایرانی به کشورهای منطقه شرق آفریقا از طریق خلیج فارس و اقیانوس هند است که از اواسط قرن هفدهم آغاز گردید. اقلیت نسبتاً بزرگ و منسجم بلوچ‌ها در کشورهای منطقه شرق و جنوب شرق آفریقا که اکنون جمعیتی در حدود ۲۵۰۰۰ نفر را دربرمی‌گیرند، در ابتدا سربازان و جنگجویان سلاطین عمانی حاکم بر زنگبار بودند و بعدها به کارآفرینانی موفق تبدیل شدند. بلوچ‌های ایرانی تبار در حال حاضر، در مقایسه با جامعه بومی، درآمد نسبتاً بالایی دارند و با وجود اقامت طولانی در این منطقه همچنان ویژگی‌های قومی و نژادی خود را حفظ کرده‌اند. این مقاله با تکیه بر منابع موجود و مطالعات میدانی و مشاهدات شخصی نویسنده درصدد است به شناسایی و بررسی دلایل مهاجرت بلوچ‌ها به مناطق شرق آفریقا و نحوه تعامل آنها با بومیان بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که چه عواملی موجب مهاجرت بلوچ‌ها به منطقه شرق آفریقا شد و حضور آنها چه تأثیری بر بومیان منطقه داشت و بالعکس. علاوه بر آن، نویسنده تلاش کرده است این فرضیه را که «بلوچ‌ها با جمعیت بومی کشورهای شرق آفریقا روابط دوستانه‌ای برقرار کردند و به‌عنوان بخشی از جامعه بومی این منطقه پذیرفته شدند» به‌گونه‌ای مناسب و مستدل به اثبات رساند. نتایج سیاسی و فرهنگی اقامت بلوچ‌های ایرانی‌الصل در کشورهای کنونی کنیا، اوگاندا، تانزانیا (و برخی کشورهای دیگر این منطقه) نیز به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه «الگوی فرهنگ‌پذیری تعاملی و شاخص یکپارچگی در مدل فرهنگ‌پذیری» پروفیسور ریچارد بورهیس استاد رشته روانشناسی اجتماعی دانشگاه کبک کانادا است. براساس نظریه دکتر بورهیس، استراتژی یکپارچگی رویکردی تطبیقی است که به موجب آن شهروندان جامعه میزبان بر این باورند که مهاجران حق دارند به‌طور همزمان میراث فرهنگی خود را حفظ کنند و به موازات آن شاخصه‌هایی از فرهنگ ملی جامعه میزبان را نیز بپذیرند.^۱

نویسنده در این مقاله، براساس روش تحلیل محتوای کیفی و با جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل نظام‌مند اطلاعات و مستندات موجود و مطالب استخراج‌شده می‌کوشد اصالت داده‌های گردآوری‌شده را به گونه‌ای علمی تفسیر نماید و عینیت نتایج به‌دست‌آمده را به اثبات رساند. به موازات آن، با بهره‌گیری از روش تحقیق میدانی در کشورهای کنیا و تانزانیا بخشی از داده‌های کیفی مورد نیاز را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند. در مورد ادبیات تحقیق، شایان ذکر است با وجود جمعیت تقریباً بیست و پنج

1. Richard Bourhis, "Towards an Interactive Acculturation Model: A Social Psychological Approach", *International Journal of Psychology* 32, 6 (December 1997).

هزار نفری بلوچ‌ها در کشورهای منطقه شرق آفریقا، این موضوع تاکنون در محافل علمی داخل کشور به صورت مستقل بررسی نشده است. در منابع فارسی فقط عرب احمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، مقالات ارزشمندی درخصوص بلوچ‌ها تألیف کرده است. در منابع انگلیسی نیز اطلاعات چندانی در مورد بلوچ‌های مهاجر به شرق آفریقا وجود ندارد و صرفاً در برخی از کتب و مقالات مطالبی در مورد این اقلیت ایرانی‌الصل به چشم می‌خورد. برای مثال می‌توان به کتاب نسیم گرم بلوچستان و شرق آفریقا^۱، نوشته جعفر کادو، و مقالات «یادداشت‌هایی درباره حضور آسیایی‌ها در امتداد ساحل سواحیلی در طول قرن نوزدهم»^۲ و «مکران، عمان و زنگبار: کریدور فرهنگی سه پایانه‌ای در غرب اقیانوس هند»^۳ اثر پروفیسور نیکولینی، استاد دانشگاه کاتولیک رم، و «بلوچ‌های آفریقای شرقی: پویایی جذب و ادغام»^۴ نوشته پروفیسور عبدالعزیز لوزی، استاد دانشگاه اوپسالا سوئد، اشاره کرد. بنابراین، نویسنده تلاش کرده است در این مقاله با شناسایی و گردآوری منابع معتبر که بخشی از آن حاصل مطالعات میدانی نویسنده در کشور تانزانیا و مصاحبه با برخی از بلوچ‌های ایرانی‌تبار ساکن این کشور است، مطالب موجود در مورد این اقلیت پویا و منسجم ایرانی را به گونه‌ای جامع تنظیم و تدوین نماید. دست‌مایه قرار دادن موضوع بلوچ‌های ایرانی‌تبار مقیم کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا که آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی-بلوچی خود را طی چند قرن همچنان حفظ کرده‌اند، سوبه نوآورانه این مقاله محسوب می‌گردد.

دلایل اصلی مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا

در تاریخ کهن سرزمین سیستان و بلوچستان، مردمان بلوچ عمدتاً به دلیل فقر و فاقه عمومی، طبیعت ناسازگار استان و دلایل دیگری از جمله بروز برخی بلایای طبیعی مجبور به مهاجرت به کشورهای اطراف و گاه اقالیم دوردست شده‌اند. یکی از دلایل مهمی که همواره بلوچ‌ها را مجبور به مهاجرت به کشورهای دیگر ساخته، آب و هوا و طبیعت خشک استان سیستان و بلوچستان است که از دیرباز همیشه مشکلاتی را برای بومیان پدید آورده است.^۵ علاوه بر این، وجود فرصت‌های محدود برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی، کمبود آب، قحطی‌های گاه به گاه و خشکسالی‌های مقطعی که منجر به از بین رفتن تدریجی چراگاه‌های گله‌ها و زمین‌های کشاورزی شده است، از دیگر دلایل اصلی مهاجرت بلوچ‌ها به کشورهایمانند هند، ترکمنستان، عمان و شرق آفریقا در ادوار مختلف تاریخی به شمار می‌رود.^۶

1. *The Warm Breeze of Balouchistan and the East African*

2. "Notes on Asian presence along the Swahili coast during the nineteenth century"

3. "Makran, Oman and Zanzibar: No. 3: Three-terminal Cultural Corridor in the Western Indian Ocean"

4. "The Baluchi of East Africa: Dynamics of Assimilation and Integration"

5. Ahmad Reza Taheri, *The Baloch in Post Islamic Revolution Iran: A Political Study* (Lulu.com, 2012), 78.

۶ عبدالودود سپاهی، بلوچستان در عصر قاجار: بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان از ابتدای سلطنت قاجار تا نهضت مشروطه (قم: گلستان معرفت، ۱۳۸۵)، ص ۲۳۲.

رفتار خشن شاهان سلسله قاجار با بلوچ‌ها^۱ برای اخذ مالیات‌های هر چه بیشتر توأم با سرکوب و ارباب آنها در صورت بروز هر گونه ناراضی^۲، تداوم سیاست سرکوب و نادیده گرفتن فرهنگ بلوچی که در دوران سلطنت رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی نیز ادامه یافت^۳، از دیگر عواملی بود که مهاجرت بلوچ‌ها به دیگر کشورها را تشدید کرد. در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز دور جدیدی از مهاجرت‌ها به خارج از کشور آغاز شد و به دنبال گسترش ناامنی در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان، برخی از طوایف بلوچ که هدف حملات قاچاقچیان مواد مخدر، باندهای جنایتکار و گروه‌های تروریستی بودند^۴ ناگزیر در پی یافتن محیطی امن رهسپار دیگر کشورها شدند.

کشور عمان از قرن هفدهم میلادی همواره یکی از کشورهای مورد توجه بلوچ‌ها برای مهاجرت بوده است. بسیاری از بلوچ‌ها در دهه‌های نخست این قرن به این کشور مهاجرت کردند و به‌عنوان نگهبان، سرباز و مزدور جنگی به خدمت پادشاهان سلسله‌های یعروبی و سپس بوسعیدی درآمدند. سلاطین عمانی نیز که از اواخر قرن هفدهم درصدد تحقق اهداف توسعه‌طلبانه خود در شرق آفریقا بودند، به دلیل شجاعت و جنگاوری بلوچ‌ها، به تدریج آنها را به متصرفات خود در شرق آفریقا گسیل^۵ کردند. بلوچ‌هایی که به زنگبار و دیگر جزایر و مناطق ساحلی شرق آفریقا اعزام شدند، به سرعت خود را با محیط جدید وفق دادند و به دلیل تجربه‌ای که در استفاده از سلاح‌های سرد و گرم داشتند و نیز برخورداری از روحیه صداقت و جسارت و شجاعت توانستند جایگاه خویش را تا رده نگهبانان خاصه سلاطین عمانی زنگبار ارتقا بخشند.

۱. روبرت گرت واتسون، تاریخ ایران (تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۵۴)، ص ۳۱۱.

۲. مسعود مرادی، مهدی وزین افضل و معصومه صاحبکاران، «اداره بلوچستان از طریق حاکمان کرمان (از دوره ناصری تا اوایل پهلوی)»، پیام بهارستان، ص ۵، ش ۱۹ (بهار ۱۳۹۲)، ص ۲۴۷.

3. "Library, Museum and Document Center of Islamic Consultative Parliament", *Document No. 6444562035 and Document Number 1000115588* (Tehran, Iran: Library, Museum and Document Center of Islamic Consultative Parliament. n.d.), pp. 1-2.

4. A. Hassani, "Emergence of Insecurity in Sistan & Baluchistan after the victory of Islamic Revolution", *Social Sciences Studies*, 19 (2019), p. 56.

۵. در ابتدای قرن شانزدهم میلادی استعمارگران پرتغالی با هدف به دست گرفتن نبض تجارت محصولات مشرق زمین، به ویژه ابریشم و ادویه، بر بخش وسیعی از جزایر و مناطق ساحلی این منطقه و از جمله زنگبار سیطره یافتند. حاکمیت پرتغال حدود دو قرن به طول انجامید و آنان در طی این دو سده با بی‌رحمانه‌ترین روش‌ها مردم را استعمار کردند. در اواخر قرن شانزدهم میلادی قبایل عرب عمانی و یمنی تبار مستقر در شهرهایی همچون مومباسا، لامو و زنگبار علیه ظلم و ستم پرتغالی‌ها شورش کردند و این اعتراضات پراکنده در اوایل قرن هفدهم میلادی به سرتاسر سواحل و جزایر شرق آفریقا سرایت یافت. جنایات نظامیان پرتغال و کشتار مردم سبب تشدید دامنه طغیان عمومی شد و سرانجام اعراب ساکن در مناطق مزبور دست‌نیز به سوی پادشاهان عمانی دراز کردند و برای دفع دشمن متجاوز از آنها یاری جستند. عمانی‌ها با قبول دعوت اعراب ساکن مومباسا، کیلوا و زنگبار به تدریج بر مناطقی از شرق آفریقا تسلط یافتند و به جنگ با پرتغالی‌ها برخاستند. درگیری بومیان و اعراب عمانی با استعمارگران پرتغالی تا پایان قرن هفدهم میلادی به طول انجامید و آنان سرانجام در سال ۱۶۹۸ میلادی با وارد آوردن شکستی بسیار سخت بر قوای پرتغالی، آنها را به منطقه جنوب آفریقا و موزامبیک عقب راندند و بر زنگبار و مناطق اطراف آن تسلط یافتند. حاکمیت عمانی‌ها بر سواحل و جزایر از آن زمان تا اواخر قرن نوزدهم و تا هنگام ورود استعمار انگلستان به این منطقه در دهه ۱۸۸۰ میلادی ادامه یافت و پس از آن تا سال ۱۹۶۴ به نوعی هژمونی کاملاً تشریفاتی و فاقد هر گونه قدرتی بدل شد. در نهایت پس از انقلاب زنگبار، آخرین پادشاه سلسله بوسعیدی در زنگبار این جزیره را برای همیشه ترک کرد و بساط تاج و تخت کاملاً صوری عمانی‌ها نیز برچیده شد.

6. Beatrice Nicolini "Ibāḍī Press in Zanzibar 'al-Sultaniyya': The (Re)-Invention of Tradition between 'Oman and Eastern Africa", *Sixth Conference on IBĀḌISM and Oman Institute of Oriental Manuscripts* (St. Petersburg: Russian Academy of Sciences, 2015), p. 3.

اقامت تدریجی بلوچ‌ها در شرق آفریقا

همان‌گونه که اشاره شد، حضور بلوچ‌ها در شرق آفریقا به اواخر قرن هفدهم میلادی و آغاز هژمونی سلاطین عمانی بر بخش‌هایی از سواحل و جزایر شرق آفریقا باز می‌گردد. براساس مستندات موجود، در دوره حاکمیت پرتغالی‌ها بر مناطقی از سواحل و جزایر شرق آفریقا در قرون شانزده و هفده میلادی^۱، سلطان بن سیف بن مالک، پادشاه وقت عمان، در سال ۱۶۶۴ میلادی با هدف آزادسازی این مناطق و بیرون راندن پرتغالی‌ها، سپاهی متشکل از سربازان عمانی و جنگاوران بلوچی را در قالب چند کشتی جنگی به فرماندهی سردار بلوچ، امیر شهداد کوتا، به این منطقه اعزام کرد و کشتی‌های جنگی عمانی برای نخستین بار وارد سواحل شرق آفریقا و به طور خاص بندر مومباسا شدند.^۲ حضور سربازان بلوچی در این عملیات مهم جنگی و سپردن فرماندهی نبرد به فردی بلوچ عمدتاً بدین سبب بود که بلوچ‌ها در آن دوره به شجاعت شهرت داشتند و حاکمان عمانی نیز درصدد بهره‌گیری از پتانسیل این ایرانیان دلاور برای اخراج پرتغالی‌ها از شرق آفریقا بودند.^۳ بلوچ‌ها سربازان شجاع و کارآزموده‌ای بودند که نه تنها نحوه استفاده از انواع سلاح‌های جنگی و توپ‌های بزرگ را می‌دانستند بلکه در حفظ و حراست مهمات نیز تخصص داشتند.^۴ از سوی دیگر، سلاطین عمانی به بلوچ‌هایی که مدت‌ها به‌عنوان گارد ویژه به آنها خدمت کرده بودند، اعتماد کامل داشتند.^۵ از این روی، پس از شکست پرتغالی‌ها و تثبیت حاکمیت عمانی‌ها در شرق آفریقا، بسیاری از سربازان وفادار بلوچ که در جنگ‌های دریایی با پرتغالی‌ها شرکت کرده بودند، به تدریج در جزیره زنگبار و سواحل جنوبی کنیا، عمدتاً در مومباسا، استقرار یافتند.^۶ پس از انتقال پادشاهی عمان به زنگبار در سال ۱۸۴۰ میلادی^۷، به دستور سلطان سید سعید بن سلطان، سومین سلطان و امام سلسله آل بوسعید، دستجات دیگری از بلوچ‌ها به زنگبار منتقل شدند و برخی از آنها به سمت نگهبانان شخصی سلطان نائل آمدند. به تدریج تعداد بلوچ‌های ایرانی تبار در زنگبار از صدها نفر افزون گردید که همگی بخشی از دستگاه قانون‌گذاری سلطان سعید به شمار می‌رفتند.^۸ سلطان سعید

1. Sir Reginald Coupland, *East Africa and its invaders* (Oxford: Oxford University Press, 1936), p. 39.

2. Cynthia Salvadori, *Through Open Doors: A View of Asian Cultures in Kenya* (Nairobi: Kenway Publications, 1989), p. 187.

3. J. Z. Qassem, *Dowlat al-Busaid fi Oman wa Sharq Africa: Manth Tasishan wa Hata Nahayatan Hokmha fi Zanzibar wa Bidayatu Ahduha al-Jadid fi Oman 1741-1970 (The State of Al-Busaid in Oman and East Africa: From its Establishment until the End of Its Rule in Zanzibar and ...)* (Muscat: Zayed Center for Heritage and History, 1974), p. 85.

۴. رسول جعفریان، *جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام* (قم: انصاریان، ۱۳۷۱)، ص ۴۹.

5. Clarke Colin, Ceri Peach & Steven Vertovec, *South Asians Overseas: Migration and Ethnicity* (Cambridge: Cambridge University Press, 1990), p. 154.

6. Douglas Collins, *Tales from Africa* (East African Educational Publishers, 1995), p. 212.

7. Patricia W. Romero, "Seyyid Said bin Sultan BuSaid of Oman and Zanzibar: Women in the Life of this Arab Patriarch", *British Journal of Middle Eastern Studies* 39, no 3 (December 2012), p. 374.

8. Peri Bearman et al. *Encyclopedia of Islam* (Leiden: Brill, 2010).

پس از تثبیت موقعیت خویش، گروه‌های دیگری از بلوچ‌ها را از عمان و بلوچستان ایران به زنگبار انتقال داد تا علاوه بر حکمفرما ساختن نظم و قانون، جلو حملات مستمر قبایل جنگجوی عرب را بگیرد که از شمال زنگبار، جزیره لامو، پاته و دیگر جزایر منطقه به زنگبار حمله می‌کردند.^۱ در اواسط قرن نوزدهم، تعداد دیگری از قبایل بلوچ رهسپار شرق آفریقا شدند تا علاوه بر جای گرفتن در رسته مهم نگهبانان سلاطین زنگبار، وظیفه محافظت از کاروان‌های اعزامی به مناطق داخلی تانگانیکا را بر عهده بگیرند و از پادگان‌های عمانی نیز حراست کنند.^۲ در این دوره بلوچ‌ها جایگاه و اعتبار خاصی نزد سلاطین عمانی یافته بودند، چنانکه مسئولیت حفاظت از مکان‌های خاص مانند دژ مسیح در مومباسا و پادگان ساعتینی در حومه زنگبار که از مراکز ژئواستراتژیک و پادگان‌های مهم نظامی عمان به شمار می‌رفتند^۳ و نیز وظیفه مقابله با شورش قبیلۀ مزروعی^۴ علیه عمانی‌ها به آنها واگذار شده بود.^۵

در این بازه زمانی و تا پیش از ورود انگلیسی‌ها به منطقه شرق آفریقا، بلوچ‌ها به تدریج به بخش‌هایی از سواحل و جزایر آفریقای شرقی از جمله جزیره مافیا در تانزانیا، امروزی و شهر ساحلی مالیندی واقع در جنوب کنیا نیز مهاجرت کردند و به دلیل وفاداری، شجاعت و مهارت‌های فردی، همچنان مورد اعتماد سلاطین عمانی بودند و بسیاری از آنها در گارد ویژه حاکمان عمانی خدمت می‌کردند.^۶

مسئولیت‌ها و مأموریت‌های بلوچ‌ها در شرق آفریقا در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ میلادی با هدف توسعه مناسبات سیاسی و بازرگانی عمانی‌ها با مناطق داخلی تانگانیکا تداوم یافت. در این زمینه برخی از بلوچ‌ها، به منظور گسترش روابط تجاری اعراب عمانی حاکم بر زنگبار با بومیان، به مناطق داخلی تانگانیکا از جمله تابورا در قلب تانگانیکای آن روزگار و کیگوما در کرانه دریاچه تانگانیکا سفر کردند.^۷ صدها نفر از بلوچ‌ها نیز در این سال‌ها به‌عنوان محافظ کاروان‌های تجاری رهسپار مناطق داخلی تانگانیکا شدند و گروهی از آنها به‌عنوان نگهبان کاروان رهسپار مناطق دوردست در شرق جمهوری کنگوی دموکراتیک

1. Robert G. Gregory, *India and East Africa: a History of Race Relations within the British Empire 1890-1939* (London: Clarendon Press, 1971), p. 33.

2. Colin, Peach & Vertovec, p. 212.

3. Collins, p. 212.

۴. مزروعی‌ها از قبایل عمانی تبار مستقر در سواحل شرق آفریقا بودند که طی قرون ۱۸ تا ۲۰ میلادی بر بخش‌هایی از سواحل کنیا حاکمیت داشتند. آنها مخالف هژمونی پادشاهی عمان بر سواحل و جزایر شرق آفریقا بودند و به‌رغم آنکه سلطان سعید بن سلطان ایشان را سرکوب کرد، بارها علیه حاکمیت عمانی‌ها شورش کردند.

5. Jamal Zakaria Qassem, *King Abu-Saeed Government in Oman and East Africa: from its Foundation to the End in Zanzibar and Beginning of a New Era in Oman* (Muscat: Center of History and Heritage, 1974), p. 121.

6. Peter Byrne, *A Short History of Mafia*. London: Kings College (London: Kings College, 2004), pp. 13-14.

7. John Middleton, *The World of the Swahili, an Africa Mercantile Civilization* (Yale University Press, 1992), p. 97.

8. Beatrice Nicolini, "Notes on Asian presence along the Swahili coast during the nineteenth century", *Quaderni Asiatici* 107 (September, 2014), p. 79.

امروزی شدند.^۱ در همین دوره، عده‌ای از مزدوران بلوچ، برای کسب درآمد و یا به دستور سلاطین زنگبار، کاشفان برجسته غربی را در ورود به مناطق ناشناخته شرق آفریقا همراهی نمودند و غیرمستقیم در کشف برخی از مکان‌های ناشناخته در شرق آفریقای کنونی شرکت کردند. یکی از این سفرهای اکتشافی مهم در سال ۱۸۵۷ میلادی و در زمان سلطنت سلطان مجید بن سعید آل بوسعید صورت گرفت و تعدادی از سربازان بلوچ دو کاشف برجسته غربی، ریچارد برتون^۲ و جان هانینگ اسپک^۳ را همراهی کردند که در داخل تانگانیکا (تانزانیا) در جست‌وجوی سرچشمه رود نیل بودند.^۴ اسپک بار دیگر در سال ۱۸۶۰ میلادی فعالیت‌های جست‌وجوگرایانه خود را در کشف مناطق ناشناخته در تانگانیکای امروزی از سر گرفت و این بار نیز تعدادی از بلوچ‌ها کار محافظت از وی را بر عهده گرفتند.^۵ در سال ۱۸۷۱ میلادی، در زمان سلطان سید برغش بن سعید آل بوسعید نیز تعدادی از بلوچ‌ها به‌عنوان محافظ کاشف آمریکایی هنری مورتون استانلی^۶ و در جست‌وجوی کاشف معروف انگلیسی دکتر لیوینگستون^۷ رهسپار تانگانیکا شدند.^۸ این وضعیت و البته اعتماد والای سلاطین عمانی زنگبار به بلوچ‌ها تا سال ۱۸۹۵ میلادی که زنگبار تحت‌الحمایه بریتانیا گردید، ادامه داشت.^{۱۰}

پس از ورود انگلیسی‌ها به شرق آفریقا در اواخر قرن هجدهم، قدرت سلاطین عمانی زنگبار به طرز چشمگیری کاهش یافت و آنان تا سطح پادشاهانی کاملاً تشریفاتی و فاقد هر گونه اختیار تقلیل یافتند. در این شرایط، بلوچ‌ها که وظیفه اصلی آنها تا آن زمان حفاظت از سلاطین عمانی و منافع اقتصادی و تجاری آنها بود، به ناچار و از روی اجبار جذب مشاغل دیگری شدند. برخی از آنها به تجارت‌های خرد روی آوردند و برای دستیابی به بازارهای محلی به تانگانیکا و اوگاندا سفر کردند و به تدریج در مناطقی از کشورهای امروزی تانزانیا، اوگاندا، کنیا و جمهوری دموکراتیک کنگو سکونت یافتند و با زنان بومی ازدواج کردند. بعضی دیگر در زنگبار و مومباسا مغازه‌هایی اجاره کردند و وارد عرصه خرید و فروش

1. Abdulaziz Y. Lodhi, "The Baluchi of East Africa: Dynamics of Assimilation and Integration", *The Journal of the Middle East and Africa* 4, no 2 (October 2013), p. 130.

۲. سر ریچارد فرانسس برتون، مستشرق و نویسنده انگلیسی.

3. Richard Francis Burton, *The Lake Regions of Central Africa a Picture of Exploration* (London: Longman, 1860), p. 193.

۴. نظامی، نویسنده و جهانگرد انگلیسی.

5. Harry Hamilton Johnston, *The Nile Quest: A Record of the Exploration of the Nile and Its Basin* (Cambridge University Press, 2011); Burton, p. 193.

6. Henry Morton Stanley, *Livingstones' Life Work: Or, Africa and Its Explorers. A Narrative of the Life, Travels, Adventures, Experiences, and Achievements of Dr. David Livingstone, Including His Discovery by Henry M. Stanley* (Columbian Book Company, 1875), p. 346.

۷. خبرنگار، نویسنده و کاشف اهل بریتانیا.

۸. پزشک و کاشف اسکاتلندی.

9. Henry Morton Stanley, *How I Found Livingstone: Travels, Adventures and Discoveries in Central Africa including four months residence with Dr. Livingstone* (Gutenberg EBook, 1872), p. 42.

10. Salvadori, p. 187.

کالاهای مختلف شدند. تعدادی از بلوچ‌ها نیز در دفاتر پلیس زنگبار و مومباسا استخدام شدند و بعداً به مقامات عالی در دستگاه پلیس ارتقا یافتند.^۱ برخی از بلوچ‌ها هم پس از ورود استعماری آلمان به شرق آفریقا در سال ۱۸۹۰ میلادی به‌عنوان سرباز به ارتش آلمان در تانگانیکا پیوستند که تا پایان جنگ جهانی اول ادامه یافت. این بلوچ‌ها به دلیل وفاداری و قابل اعتماد بودن مورد احترام آلمانی‌ها بودند و کارگزاری مستعمراتی تانگانیکا در آلمان مسئولیت‌هایی نظیر مقامات محلی و ریاست ایستگاه‌های مهمی نظیر تابورا، باگامویو، میکیندانی و مافیا را به آنها واگذار نمود.^۲ تعدادی از بلوچ‌ها نیز به ارتش هند بریتانیا و به‌ویژه هنگ the 129th Duke of Connaught's Own Baluchis پیوستند و در اواسط جنگ جهانی اول از اروپا به آفریقای شرقی منتقل شدند. اینان همواره از سربازان شجاع امپراتوری بریتانیا به شمار می‌رفتند.^۳ در این میان مهاجرت تدریجی بلوچ‌ها از ایران به سواحل و جزایر شرق آفریقا از جمله زنگبار، پمبا، جزیره مافیا (در تانزانیا امروزی) و شهر ساحلی مالیندی همچنان ادامه داشت.^۴ پس از جنگ جهانی دوم، در حالی که اکثر بلوچ‌ها در بخش‌هایی از شرق آفریقا از جمله زنگبار، باگامویو، دارالسلام، مومباسا و جنوب اوگاندا سکونت یافته و جایگاه خود را به‌عنوان یکی از اقلیت‌های مسلمان غیربومی تثبیت کرده بودند، تعداد دیگری از بلوچ‌ها از شهرهای نیک‌شهر، کاسرکند، سرباز، دابکار و چابهار به آنها پیوستند. این افراد که عمدتاً از بستگان بلوچ‌های ساکن در شرق آفریقا بودند و توسط آنها برای سفر به این منطقه تشویق شده بودند، بیشتر در مناطقی مانند ایرینگا و امبیا در تانزانیا، مومباسا در کنیا و سورتی در اوگاندا استقرار یافتند و همچون نسل اول بلوچ‌ها جذب مشاغل تجاری مختلف شدند.^۵ روند مهاجرت بلوچ‌ها از ایران به شرق آفریقا تا اوایل دهه ۱۹۶۰ و شروع ناآرامی‌های سیاسی در شرق آفریقا که منجر به انقلاب زنگبار در سال ۱۹۶۴ شد ادامه داشت. با این حال، در جریان انقلاب زنگبار و تلاش انقلابیون برای تصاحب دارایی‌های هزاران مهاجر آسیایی، تعداد زیادی از بلوچ‌های ساکن زنگبار به همراه هندی‌ها این جزیره را به مقصد اروپا، آمریکای شمالی، پاکستان، ایران، هند و سایر کشورهای خاورمیانه ترک کردند.^۶ آخرین موج مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت و دستجاتی از بلوچ‌ها به دعوت اقوام و خویشان خود رهسپار شرق آفریقا شدند و در مناطقی از کنیا و تانزانیا سکنا گزیدند.

1. Abdul Sheriff, "About Baluchis in East Africa", Interview by Author, April 4, 2020.

2. Qassem, p. 123.

3. Robert Valentine Dolbey, *Sketches of the East Africa Campaign* (Whitefish: Kessinger Publishing, 2004), p. 10.

4. Byrne, pp. 13-14.

5. Abdalla Mohamed Nurmohamed Abdalla Jamadar Alzidjaly, "Haji Mirdor Mirhadad Gulamqadir Buladi", Interview by Author, 2020.

6. Sheriff, p. 1-2.

جوامع بلوچی در شرق آفریقا

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در حال حاضر در حدود بیست و پنج هزار بلوچ در کشورهای شرق آفریقا از جمله تانزانیا، کنیا، اوگاندا (و در مقیاس جمعیتی بسیار اندک در سومالی و جمهوری دموکراتیک کنگو) زندگی می‌کنند. در هر یک از این کشورها، بلوچ‌ها اقلیت‌های مستقل و در عین حال مرتبط با یکدیگر ایجاد کرده‌اند. بزرگ‌ترین جماعت بلوچ‌ها در شرق آفریقا متعلق به کنیاست و هر چند آمار رسمی از تعداد آنها وجود ندارد، جمعیت آنها در این کشور از شش تا هشت هزار نفر تخمین زده می‌شود.^۱ بلوچ‌های مقیم کنیا را به صورت کلی می‌توان به سه گروه بزرگ دسته‌بندی کرد: (۱) بلوچ‌های بازمانده از نسل اول سربازان مزدور که در قرن هجدهم از عمان به این کشور مهاجرت کردند و چنانکه پیش‌تر اشاره شد، در خدمت پادشاهان عمانی حاکم بر مناطقی از سواحل و جزایر شرق آفریقا بودند؛ (۲) بلوچ‌های نانگارانی که اعقاب آنها در اواخر قرن نوزدهم به‌عنوان سربازان مورد اعتماد استعمارگران انگلیسی از ایران (سیستان و بلوچستان) و عمان وارد کنیا شدند؛^۲ و (۳) بلوچ‌های نسل چهارم که عمدتاً در چند دهه اخیر از زاهدان، چابهار و سراوان به این کشور مهاجرت کرده‌اند.^۳ اکثر بلوچ‌های مقیم کنیا در حال حاضر در بخش قدیمی مومباسا موسوم به «مومباسای قدیم»^۴ و بیشتر در محلهٔ ماکادارای^۵ این بخش زندگی می‌کنند. اقلیت کوچکی از بلوچ‌های کنیا نیز در نایروبی و مالیندی ساکن هستند.^۶ اصالت اکثر بلوچ‌های کنیا، عمدتاً بلوچ‌های مقیم مومباسا، به زاهدان، چابهار، سراوان، نیک‌شهر و کاسر کند باز می‌گردد. البته بلوچ‌های نیک‌شهری از جمعیت بیشتری برخوردارند و بر جامعهٔ بلوچ‌های مومباسا نیز تأثیر گذارند.^۷

تانزانیا دومین مرکز استقرار بلوچ‌ها در شرق آفریقا به شمار می‌رود. بلوچ‌های ساکن تانزانیا به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند: (۱) بلوچ‌های متعلق به نسل مهاجران قرون هجدهم و نوزدهم؛ (۲) مهاجرانی که طی یک سده گذشته و عمدتاً پس از پایان جنگ جهانی دوم وارد این کشور شده‌اند. بلوچ‌های کنونی ساکن تانزانیا بیشتر در دارالسلام، باگامویو، ایرینگا^۸ و امبیا^۹ و مناطق روستایی اطراف این دو شهر زندگی

1. Abdulhamid Suleiman Fakirdad, "Baluchis in East Africa", Interview by Author, May 4, 2020.

2. Saad Yahya Mohamed Bakari, *Islam in Kenya: proceedings of the National Seminar on Contemporary Islam in Kenya* (Mewa Publications, 1995), p. 67.

۳. محمد حسین‌بر، «مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا»، مصاحبه توسط نویسنده، ۱۰ اردیبهشت، ۱۴۰۱.

4. Old Mombasa

5. Makadara

6. Shahmorad DadkarimGulam, "Baluch Communities in Africa", Interview by Author, April 14, 2020.

7. Fakirdad, p. 3.

8. Iringa

9. Mbeya

می‌کنند.^۱ قدیمی‌ترین بلوچ‌های تانزانیا را بلوچ‌های ساکن کائوله در حومه باگامویو تشکیل می‌دهند که از حدود دویست سال پیش در این شهر کوچک زندگی می‌کنند.^۲ در این میان، بلوچ‌های ساکن روجه‌وا^۳ و اوسانگا^۴ در حومه امبیا فعال‌ترین بلوچ‌های ساکن تانزانیا هستند که از زمان استقرار در این مناطق کارهای نوآورانه مهمی در عرصه آبیاری و کشاورزی کرده‌اند. این مهاجران که موج اول آنها در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی از شهرهای زاهدان، سرباز، نیک‌شهر و کاسرکند در جست‌وجوی آینده‌ای بهتر رهسپار تانزانیا شدند، در سال‌های اولیه اقامت خود در این دو روستا در دهه ۱۹۳۰، به کاشت محصولات مختلف کشاورزی، عمدتاً برنج، روی آوردند و برای نخستین بار در این مناطق سیستم آبیاری پیشرفته‌ای ایجاد کردند که در آن مقطع زمانی در نوع خود بی‌نظیر بود.^۵ موج دوم بلوچ‌های ایرانی نیز در دهه ۱۹۵۰ و سال‌های نخست دهه ۱۹۶۰ از شهرهای مختلف سیستان و بلوچستان وارد روجه‌وا و اوسانگا شدند و به خویشاوندان خود ملحق گردیدند. برخی از بلوچ‌های ساکن امبیا بعدها به نامیبیا، انگلستان و سوئد مهاجرت کردند.^۶

کشور اوگاندا نیز تعداد قابل توجهی از بلوچ‌ها را در خود جای داده است. نخستین گروه از بلوچ‌های ایرانی‌الاصل دیرتر از دیگر کشورهای منطقه شرق آفریقا و در اواسط قرن نوزدهم میلادی وارد اوگاندا شدند. براساس مستندات تاریخی، عیسی بن حسین بلوچ اولین بلوچ ایرانی بود که در زمان حکومت سلطان سعید بن سلطان، پادشاه وقت زنگبار، به دربار شاه سونا^۷ (شاه سونا دوم از پادشاهان سلسله بوگاندا) راه یافت و پس از مدتی مورد توجه او قرار گرفت و یکی از نگهبانانش شد. بعدها، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، گروه‌های دیگری از بلوچ‌ها به تدریج از زنگبار رهسپار اوگاندا شدند و در مناطق مختلف این کشور اقامت گزیدند.^۸ در حال حاضر اکثر بلوچ‌های اوگاندا در شهرهای سوروتی^۹ و آروا^{۱۰} زندگی می‌کنند و جدای از این دو شهر، تعداد کمی از بلوچ‌ها نیز در کامپالا و ماساکا^{۱۱} سکونت

۱. البته چنانکه در صفحات قبل اشاره شد، جدای از آنکه هسته اولیه بلوچ‌های مهاجر به شرق آفریقا در قرون هجده و نوزده در زنگبار متمرکز داشتند و سپس از این جزیره به دیگر مناطق کشورهای امروزی سومالی، تانزانیا و کنیا نقل مکان کردند، تعدادی از بلوچ‌ها تا اوایل دهه ۱۹۶۰ همچنان در زنگبار زندگی می‌کردند که پس از بروز تحولات سیاسی، موسوم به انقلاب زنگبار، برای همیشه این جزیره را ترک گفتند.

2. August H Nimtz, *Islam and Politics in East Africa: The Sufi Order in Tanzania* (Minnesota: University of Minnesota Press, 1980), p. 148.

3. Rujewa

4. Usangu

۵. در این خصوص در صفحات بعد توضیح داده می‌شود.

6. Fakirdad, p. 2.

7. Sauna

8. Clarke, Peach & Vertovec, p. 153.

9. Soroti

10. Arua

11. Masaka

دارند.^۱

جدای از این کشورها، تعداد انگشت‌شماری از بلوچ‌های ایرانی تبار در کشورهای سومالی و کنگوی دموکراتیک زندگی می‌کنند. اطلاعات دقیقی در مورد این دو اقلیت بلوچ وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد در حدود ۵۰ خانواده بلوچ در سومالی^۲ و بین یکصد تا یکصد و پنجاه بلوچ نیز در کنگوی دموکراتیک زندگی می‌کنند.^۳

تقسیمات قبیله‌ای و یکپارچگی قومی

یکی از ویژگی‌های بارز اقوام بلوچ از دیرباز تاکنون وابستگی عمیق قومی و قبیله‌ای آنهاست. در واقع همه اقوام بلوچ هویت ملی خود را در چارچوب قوم و قبیله‌ای که با آن بزرگ شده‌اند، یافته‌اند و برای ساختار قبیله‌ای خود احترام عمیقی قائل‌اند. به عبارت دیگر، بلوچ‌ها در طول تاریخ، موقعیت خود را از طریق قبایلی که به آن تعلق دارند، تثبیت کرده‌اند و اتحاد خود را در گرو حفظ وابستگی‌های قومی قبیله‌ای خود می‌دانند. این وضعیت از قدیم‌الایام در بین بلوچ‌ها رواج داشته و جدای از ایران و پاکستان و افغانستان، تعلقات و تعصبات بلوچ‌ها به قبیله و طایفه خود، در کشورهایی که اقلیت‌های منسجمی را تشکیل می‌دهند (از جمله شرق آفریقا)، کاملاً مشهود است.

بلوچ‌های ساکن شرق آفریقا در زبان سواحیلی و در بین بومیان «وا-بولوشی» (مفرد: ام-ولوشی)^۴، «وا-بوروشی» (مفرد: ام-بوروشی)^۵ و «وا-شومی»^۶ نامیده می‌شوند و عموماً با نام‌های بولوشی (جمع آن ما-بولوشی) یا بولوشی شناخته می‌شوند.^۷ بلوچ‌های شرق آفریقا نیز مانند بلوچ‌های ساکن ایران و پاکستان دارای قبایل و طوایف مختلفی نظیر براهویی، شهنازی، شیرانی، ریگی،^۸ نوشیروانی، ریدز،^۹ ریند، هوت^{۱۰}، کاسرخانی، لوریگی، ساگاری و جیهیگا هستند که در سومالی، کنیا، تانزانیا و اوگاندا سکونت دارند.^{۱۱} با این حال، براساس سنت رایج در بین بلوچ‌های ساکن شرق آفریقا، آنها به طور کلی خود را به

1. DadkarimGulam, "Baluch Communities in Africa", April 14, 2020.

2. Abdullah Mohammad Abdullah Jidgal, "Minister Buri", Interview by Author, May 30, 2020.

3. Mojib Ahmad, "Baluchis Minority in DRC", Interview by Author, November 5, 2019.

4. Carina Jahani, *Language in Society: Eight Sociolinguistic Essays on Baluch* (Uppsala: Uppsala University, 2000), p. 93.

5. Fakirdad, "Baluchis in East Africa".

6. Nimtz, p. 148.

7. Abdulaziz Y. Lodhi, *Oriental Influences in Swahili A Study in Language and Culture Contacts* (Orientalia et Africana Gothoburgensia, 2000), p. 72.

8. Alzidjaly, "Haji Mirdor Mirhadad Gulamqadir Buladi", 2020.

9. Samuel Barrett Miles, *Countries and Tribes of the Persian Gulf* (London: Frank Cass and Co. Ltd, 1966), p. 94.

10. Nicolini, p. 72.

۱۱. حسین بر، «مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا».

دو گروه اصلی «عمانی» و «نانگاران» متعلق می‌دانند و عمانی‌ها قدیمی‌ترین گروه بلوچ‌ها در شرق آفریقا محسوب می‌شوند.^۱

بلوچ‌های موسوم به عمانی از اواخر قرن هفدهم تا اواسط قرن نوزدهم از طریق عمان وارد آفریقای شرقی شدند و به همین دلیل امروزه به «بلوچ‌های عمانی» معروف‌اند. در ایرانی‌الاصل بودن این گروه از بلوچ‌ها تردیدی وجود ندارد و چنانکه در صفحات قبل اشاره شد، آنها از سیستان و بلوچستان به عمان مهاجرت کردند و پس از مدتی همراه پادشاهان عمانی، عمان را به مقصد سواحل شرق آفریقا ترک کردند. با این حال، اطلاعات بسیار کمی در مورد طایفه و قبیله‌ای که به آن تعلق داشته‌اند وجود دارد.^۲ در واقع این بلوچ‌ها اکثراً سربازانی بوده‌اند که تا زمان تأسیس رسمی سلطنت عمان در سواحل شرق آفریقا در سال ۱۸۴۰ میلادی، وظیفه حفاظت از پادگان‌های عمانی را در مومباسا، دارالسلام، زنگبار و پمبا بر عهده داشتند.

دومین قبیله بزرگی که شمار زیادی از بلوچ‌های شرق آفریقا خود را متعلق به آن می‌دانند، قبیله نانگاران است. نانگاران یا ننگرانی در زبان بلوچی به معنای داشتن ابزار برای شخم زدن زمین‌های کشاورزی است و بیشتر به مردم بلوچی نسبت داده می‌شود که از قدیم‌الایام در بلوچستان کشاورزی می‌کرده‌اند.^۳ اکثر بلوچ‌های نانگاران از اواسط قرن نوزدهم به تدریج وارد منطقه شرق آفریقا شدند و بسیاری از آنها از سال ۱۸۹۰ میلادی به بعد به عنوان سربازان قابل اعتماد به کارگزاران بریتانیایی پیوستند.^۴ برخی دیگر از بلوچ‌های نانگاران عمدتاً پس از پایان جنگ جهانی دوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی از ایران به تانزانیا و اوگاندا مهاجرت کردند و به دلیل مهارت در کشاورزی در این کشورها جذب فعالیت‌های کشاورزی شدند. رقابت‌های قومی قبیله‌ای در میان بلوچ‌های شرق آفریقا چندان قابل توجه نیست، با این حال هنوز برخی اختلافات ریشه‌ای به‌ویژه در میان بلوچ‌های مومباسا وجود دارد.^۵

تأثیرات فرهنگی متقابل

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های زندگی بلوچ‌ها در شرق آفریقا، از بدو استقرار در این منطقه، برقراری روابط صمیمانه با بومیان و تبادل برخی از مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی بین اقلیت بلوچ شرق آفریقا و اکثریت بومیان منطقه بوده است. در واقع با وجود جمعیت بسیار اندک بلوچ‌ها و اینکه آنها تصمیمی برای تأثیرگذاری بر مردم بومی شرق آفریقا نداشتند، ارتباط روزانه و مستمر این مهاجران ایرانی با آفریقایی‌ها

1. Mohamed Bakari, p. 97.

2. Taj Mohammad Breseeg, *Baloch Nationalism: Its Origin and Development up to 1980* (ProQuest LLC, 2017), p. 50.

۳. حسین‌بر، «مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا».

4. Dolbey, p. 10.

5. Fakirdad, "Baluchis in East Africa".

سبب شد آنها تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر جوامع بومی بر جای بگذارند و متقابلاً از فرهنگ و اجتماع بومیان تأثیر بپذیرند:

تأثیرات بومیان بر بلوچ‌ها: بلوچ‌ها به دلیل تعصبات قومی و قبیله‌ای همواره به هویت و سنت‌های خود وفادار بوده‌اند، با این حال پس از حضور در شرق آفریقا و تعامل با بومیان به تدریج تحت تأثیر برخی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آنان قرار گرفتند. مهم‌ترین این تأثیرات در محدوده زبان سواحیلی، سبک زندگی، آشپزی و برخی خرافات بود که به تدریج راه خود را در بین جوامع بلوچ ساکن در کشورهای شرق آفریقا پیدا کرد:

۱. شاید یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات فرهنگی آفریقایی‌ها بر بلوچ‌های ایرانی تبار شرق آفریقا نفوذ تدریجی زبان سواحیلی و محبوبیت این زبان در میان آنها باشد. در واقع بلوچ‌ها به دلیل نیاز به تعامل با آفریقایی‌ها، به ناگزیر زبان سواحیلی را فرا گرفتند و کم‌کم با تسلط کامل به این زبان محلی، به بخشی از جامعه سواحیلی‌زبانان شرق آفریقا تبدیل شدند.^۱ تسلط بلوچ‌ها به زبان سواحیلی به حدی است که بسیاری از آنها در منزل و با اعضای خانواده نیز به زبانی صحبت می‌کنند که مخلوطی از هر دو زبان سواحیلی و بلوچی است که البته این امر عمدتاً به دلیل عدم تسلط کامل آنها به زبان بلوچی است. وابستگی بلوچ‌ها به زبان سواحیلی عمدتاً به قرون ۱۸ و ۱۹ باز می‌گردد که آنها به تدریج زبان سواحیلی را آموختند و از اواسط قرن نوزدهم به دلیل ازدواج‌های مختلط به این زبان کاملاً مسلط شدند. این امر که عمدتاً ناشی از نیاز آنها به تعامل و ارتباط با بومیان بود، نه تنها موجب شد بلوچ‌های ایرانی تبار تا حدودی از زبان ملی خود (فارسی) دور شوند، بلکه سبب فاصله گرفتن نسبی آنان از زبان قومی قبیله‌ای خود (بلوچی) نیز گردید.

۲. ازدواج با قبایل عرب تبار ساکن در سواحل و جزایر آفریقای شرقی و بومیان موسوم به سواحیلی عامل دیگری بود که منجر به فرهنگ‌پذیری بلوچ‌ها از بومیان شد. این ازدواج‌ها به‌ویژه با گروه‌های قومی نظیر بنادیری‌ها^۲ در سومالی، قبایل عرب تبار یمنی و عمانی در سواحل کنیا و تانزانیا و سواحیلی‌هایی که در نواحی ساحلی زندگی می‌کردند از دهه ۱۸۴۰ تا ۱۸۸۰ میلادی رایج بود^۳ و پس از ورود سایر دستجات بلوچ از ایران به شدت کاهش یافت. با این حال رد پای چنین ازدواج‌های درونی بر جوامع بلوچ ساکن در شرق آفریقا هنوز آشکار است، به گونه‌ای که امروزه به راحتی می‌توان بلوچ‌های ساکن در کشورهای شرق آفریقا را به دو دسته اصلی بلوچ‌های خالص و

1. Ibid.

۲. بنادیری گروه نژادی درهم‌آمیخته از اعراب و بومیان سواحیلی است که بیشتر در سواحل جنوبی سومالی زندگی می‌کنند. نام بنادیر از واژه فارسی بندر گرفته شده است.

3. Lodhi, *Oriental Influences in Swahili A Study in Language and Culture Contacts*, p. 72.

بلوچ‌های مختلط تقسیم کرد. بلوچ‌های خالص یادگار ازدواج‌های درونی بلوچ‌ها و بلوچ‌های مختلط حاصل ازدواج پدران، پدربزرگ‌ها یا اجداد آنها با بومیان آفریقایی یا عرب هستند.^۱

۳. بلوچ‌ها تحت تأثیر زندگی ساده اجتماعی آفریقایی‌ها قرار گرفتند و تعامل با سیاهان سواحل و جزایر شرق آفریقا موجب شد به تدریج همسان‌سازی‌هایی فرهنگی بین شیوه زندگی آنها و بومیان به وجود آید.^۲ در واقع ارتباط صمیمانه بلوچ‌ها با آفریقایی‌ها سبب درک عمیق آنان از زندگی ساده و توأم با فقر سیاهان گردید، خصوصاً که پدران و اجدادشان در زمان زندگی در منطقه بلوچستان با عمق واژه فقر آشنا شده و از زندگی بسیار ساده خود در استان سیستان و بلوچستان داستانی را برای آنها نقل کرده بودند. در عین حال، دیگر شاخصه‌های زندگی اجتماعی بومیان آفریقای شرقی مانند مهمان‌نوازی، احترام به غریبه‌ها، سلسله‌مراتب قوی اجتماعی و دینی، تساهل و تسامح دینی و اجتماعی، نگاه محافظه‌کارانه مثبت به زندگی، افتخار به هویت ملی و قومی و غیره برای بلوچ‌ها بسیار خوشایند بود و ناخواسته این ویژگی‌های رفتاری را سرمشق خود ساختند.

۴. برخی از غذاهای سنتی شرق آفریقا از جمله اوگالی^۳، طبخ خاص ماهی، سیب‌زمینی‌های محلی، سوپ‌های نارگیل و موزهای پخته‌شده، خورش‌های تهیه‌شده از سبزیجات محلی، غذاهای حاوی سیر، لوبیا، نخود و ذرت و همچنین انواع مختلف خورش لوبیا و پیاز به ذائقه بلوچ‌های ایرانی تبار خوش آمد. این وضعیت تاکنون ادامه یافته است و غذاهای سنتی بومیان شرق آفریقا به‌عنوان غذای اصلی بلوچ‌ها در نظر گرفته می‌شوند، تا حدی که تقریباً همه بلوچ‌های منطقه به این غذاهای آفریقایی علاقه دارند و حداقل دو یا سه بار در هفته با اشتیاق این غذاها را میل می‌کنند.^۴

۵. بلوچ‌ها تا حدودی تحت تأثیر خرافات و باورهای سنتی آفریقایی قرار گرفتند و برخی از باورهای آفریقایی را جذب کردند که این وضعیت تاکنون ادامه دارد، چنانکه امروزه بلوچ‌ها مانند آفریقایی‌ها برای درمان برخی از بیماری‌های سخت به پزشکان سنتی مراجعه و از داروهای سنتی آفریقایی استفاده می‌کنند و به درمانگران سنتی باور دارند و معتقدند آنها به‌عنوان «انبار دانش پزشکی» نقشی محوری در بسیاری از حوزه‌های زندگی مردم ایفا می‌کنند. هرچند بلوچ‌ها مسلمانان متدین و متعهدی هستند، شدت رسوخ برخی باورهای آفریقایی در آنان تا اندازه‌ای است که گاهی اوقات، به‌ویژه در زمان رویارویی با برخی بیماری‌ها و بلایای ناشناخته روانی، برای به دست آوردن طلسم‌های خوش‌شانسی با پزشک جادوگران مشورت می‌کنند. برخی از بلوچ‌ها نیز تحت تأثیر

1. Alzidjaly, "Haji Mirdor Mirhadad Gulamqadir Buladi".

2. Abdul kadir NoorMohamed, "The culture of East African Baluchis", January 1, 2020; <https://balochilinguist.wordpress.com/2011/06/08/the-culture-of-east-african-baluchis/>

3. Ugali

سنت‌های بومیان شرق آفریقا بروز بیماری‌های لاعلاج را به فال بد می‌گیرند و همچون بومی‌ها در این گونه مواقع رقصی نیمه خلسه مشابه رقص خلسه «زار» اجرا می‌کنند تا از این طریق شیطان یا جن را از بدن فرد بیمار بیرون کنند.^۲

تأثیرات متقابل بلوچ‌ها بر بومیان: بلوچ‌ها از ابتدای حضور در شرق آفریقا تصمیم‌های هدمندی برای تأثیرگذاری فرهنگی بر بومیان سواحل و جزایر شرق آفریقا نداشتند، با این حال مناسبات دوستانه آنها با بومیان موجب تأثیرگذاری نسبی فرهنگی و اجتماعی متقابل بلوچ‌ها بر سیاه‌پوستان سواحل و جزایر شرق آفریقا خصوصاً در عرصه زبان و ادبیات سواحیلی گردید. برخی از این مؤلفه‌ها که با استقبال جوامع سنتی شرق آفریقا مواجه شد، به صورت خلاصه از این قرارند:

۱. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین تأثیرات بلوچ‌ها بر فرهنگ بومیان شرق آفریقا در زمینه زبان سواحیلی بود که منجر به ورود محدود واژه‌های بلوچی و فارسی به زبان سواحیلی و همچنین تأثیرگذاری، البته بسیار کم‌رنگ، بر ادبیات سواحیلی گردید.^۳

جدول ۱. واژه‌های بلوچی راه‌یافته به زبان سواحیلی (توسط بلوچ‌ها)

سواحیلی	واژه‌های بلوچی
Bunduki (Bandoq)	بندوق (تفنگ به زبان فارسی)
Singe	سنگ (سرنیزه به زبان فارسی)
Belushi (جمع: Mabelushi)	بلوچ
Habedari!	هبردار (خبردار به زبان فارسی)
Baruti	باروت
Cherahani	چرخ خیاطی
Shali	شال
Karakhana	کارخانه (کارگاه به زبان فارسی)
Jemadari	جامه‌دار (فرمانده به زبان فارسی)

۲. مردمان بلوچ در تقویت دستور زبان سواحیلی نیز نقش کوچکی داشتند و مقالات و کتبی در مورد زبان سواحیلی تألیف کردند.^۴ شهاب‌الدین چراغ‌الدین از بلوچ‌های مقیم مومباسا و موالیمو محمد

۱. مراسم آیینی برای دور کردن شیاطین و ارواح از زندگی انسان‌ها که در بلوچستان ایران بسیار رایج است.

2. Fakirdad, "Baluchis in East Africa".

3. Abdulaziz Y. Lodhi, "Convergence of Languages on the East African Coasts," In *Linguistic Convergence and Areal Diffusion. Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*, ed. É. Á. Csató (London, New York: Routledge Curzon, 2005), p. 356; Lodhi, "The Baluchi of East Africa: Dynamics of Assimilation and Integration", p. 133.

4. Abdul kadir NoorMohamed, "The Baluch of East Africa", March 19, 2020; <https://noormohamed.net>

کمال‌خان از بلوچ‌های مقیم دارالسلام در زمره نویسندگان بلوچی بودند که کتب و مقالاتی در مورد زبان سواحیلی به رشته تحریر درآوردند. نورجهان زیدی نیز به‌عنوان نخستین شاعر زن بلوچی جایزه ریاست‌جمهوری کنیا را در سال ۱۹۷۴ میلادی دریافت کرد.^۱ شیخ عبدالرحیم پیرمحمد کمال‌خان پوردلان از دیگر نویسندگان بلوچ ایرانی‌تبار بود که کتاب ارزشمند و منحصربه‌فرد فرهنگ‌نامه عبارات سواحیلی-بلوچی را تألیف نمود. دکتر سارا میرزا (از بلوچ‌های نسل سوم ایرانی‌الصل مهاجر از مومباسا به لوس آنجلس) نیز به همراه دکتر توماس هینبوش^۲ استاد دانشگاه کالیفرنیا کتابی علمی با عنوان *Swahili Msingi wa kusema kusoma na kuadika* را تألیف کرد که گویشوران سواحیلی از آن استفاده می‌کنند.^۳

۳. بلوچ‌ها در گسترش دین اسلام و معرفی این دین مبین به بومیان نیز نقش‌آفرین بودند. در واقع بلوچ‌ها از ابتدای ورود به شرق آفریقا، به موازات مسئولیت‌های نظامی یا اداری، وظایف دینی خود را نیز به درستی انجام دادند. این رفتار آنها که جنگجویانی سرسخت و در عین حال مسلمانانی متدین و سرسپرده بودند، نه تنها به‌منزله الگویی مورد توجه مسلمانان بومی قرار گرفت، بلکه بعدها رنگ و بوی خاصی به خود گرفت و با تلاش محدود و عاظ بلوچ که تبلیغ دین اسلام را در دستور کار خود قرار داده بودند، موجب گروه‌های از آفریقایی‌های پیرو آیین‌های سنتی به دین اسلام گردید.^۴ همزمان با فعالیت مبلغان، بلوچ‌ها مساجدی در مناطق سکونت خود احداث کردند که این مراکز دینی به تدریج پذیرای مسلمانان بومی گردیدند و در توسعه دین اسلام در این مناطق تأثیرگذار بودند.^۵

۴. یکی از ابتکارات مهم بلوچ‌ها در عرصه کشاورزی پدیدار شد. دستجات جدیدی از مهاجران بلوچ طی دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ میلادی به حفر کانال‌هایی در روستاهای منطقه امبیا (روجه‌وا و اوسانگو) پرداختند. این کانال‌ها آب رودخانه‌ها را به مزارع کشاورزی هدایت می‌کردند که در نوع خود در آن زمان سیستم آبیاری پیشرفته‌ای محسوب می‌شد.^۶ بلوچ‌ها ضمن ایجاد این کانال‌های آبرسانی، آب رودخانه‌های اطراف را به سمت مزارع برنج خود منحرف کردند که تحولی بزرگی در توسعه کشاورزی این روستاها به شمار می‌رفت. این ابتکار بلوچ‌ها از چنان اهمیتی برخوردار بود که

1. Lodhi, "The Baluchi of East Africa: Dynamics of Assimilation and Integration", p. 134.

2. Thomas Hinnebusch

۳. سواحیلی: بنیادی برای صحبت کردن، خواندن و نوشتن

۴. امیربهرام عرب احمدی، «بلوچ‌های ایرانی در شرق آفریقا»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۱، ش ۱ (۱۳۹۱)، ص ۱۱.

5. Jaafar Mohammad Kaderbakhsk Kadu, *The Warm Breeze of Balouchistan and the East African* (Dar es Salaam, 2012), p. 196.

6. Jaafar Mohammad Kaderbakhsk Kadu, "The story of Balochis in East Africa", Interview by Author, April 11, 2020.

7. Ominde S. H. Ominde, Simeon Hongo, *Studies in East African Geography and Development* (University of California Press, 1971), p. 246.

جولیوس نایرره، رئیس‌جمهور وقت تانزانیا، در سفر به امبیا در سال ۱۹۶۴، از طرح آبیاری کانال‌های روجهوا بازدید کرد. نایرره پس از مشاهده خلایقیت بلوچی‌ها در تأمین آسان آب مزارع و چگونگی آبیاری کشتزارهای خویش، بومیان را به الگوبرداری از این کانال‌های آبیاری دعوت کرد.^۱ این کانال‌های آبیاری هنوز مورد استفاده بلوچهاست و برخی از بومیان نیز در آبیاری مزارع خود از این شیوه آنها الگوبرداری کرده‌اند. افزون بر این، بعضی از بلوچهایی که در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی در روستاهای اطراف امبیا استقرار یافتند، برای نخستین بار کشت برنج را در این منطقه آغاز کردند که تغییری اساسی در زیرساخت‌های اقتصادی روستاهای روجهوا و اوسانگا ایجاد کرد.^۲ روش خاص بلوچ‌ها در کشت برنج با استقبال گسترده بومیان مواجه شد و آنها نیز به پیروی از شیوه بلوچ‌ها شروع به برنج‌کاری کردند.^۳ بلوچ‌ها هنوز مزارع بزرگ خود در روستاهای اطراف امبیا را با موفقیت اداره می‌کنند^۴ و به لطف مزارع شالیکاری آنها که توأم با بهبود روش‌های مدیریت کشت و آبیاری است، جمعیت این مناطق افزایش یافته است.^۵

۵. استقامت بدنی بالا و مقاومت در برابر سختی‌های طبیعی و بیماری‌های محلی به‌ویژه در دهه‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۸۰ از دیگر ویژگی‌های بلوچ‌ها بود که بارها بومیان را تحت تأثیر قرار داد. در واقع مقاومت بدنی بلوچ‌ها در برابر انواع بیماری‌های خطرناک استوایی، به‌ویژه تب جنگی و مالاریا، و توانایی آنها در تحمل شرایط سخت طبیعی از جمله گرمای طاقت‌فرسا و باران‌های سیل‌آسا یکی از عوامل موفقیت آنها در شرق آفریقا بود. برخی از کاشفان غربی نظیر برتون، اسپک و لیوینگستون نیز بارها به پایداری و سرسختی بلوچ‌ها و مقاومت بدنی بالای آنها در مقابل بیماری‌های بومی ناشناخته در دل جنگل‌های تانزانیا، کنیا و کنگو اشاره کرده‌اند که به گفته آنها حتی در نظر بومیان نیز تحسین‌برانگیز و شگفت‌آور بوده است.^۶

1. Kadu, "The story of Balochis in East Africa"; Tom Franks, Bruce A. Lankford & Makarius Mdemu, "Managing Water Amongst Competing Uses: The Usangu Wetland in Tanzania", *Wiley InterScience* 53 (2004), p. 280.

2. E. H. Masija, *Irrigation of wetlands in Tanzania* (Dar es Salaam: Ministry of Agriculture, Livestock and Cooperatives, n.d.), p. 76.

3. R. Y. M. Kangalaw, D. G. Mwam & M. J. Mbonile, "Land Management Systems and Their Environmental", *Journal/the Geographical Association of Tanzania* 32 (2007), p. 21.

4. Kalunde Kissawike, *Irrigation-based Livelihood Challenges and Opportunities A gendered technography of irrigation development intervention in the Lower Mashi irrigation scheme in Tanzania* (Wageningen: CERES - Research School for Resource Studies for Development Wageningen Universiteit, 2008), p. 14; S. Patel, P. Vedeld & A. Tarimo, *Irrigation Management, Institutions and Local Livelihood Adaptation on Usangu Plains, Tanzania* (Norwegian University of Life Sciences, 2014), p. 4.

5. Peter Droogers et al., *Green water credits: Basin identification. Green Water Credits Report 1, ISRIC Report* (Wageningen: ISRIC-World Soil Information, 2006).

6. Stanley, *How I Found Livingstone: Travels, Adventures and Discoveries in Central Africa including four months residence with Dr. Livingstone; Sir Richard Francis Burton, Zanzibar: City, Island, and Coast* (Tinsley brothers, 1872), p. 163.

۶. بلوچ‌ها بر سنت‌های شفاهی بومیان شرق آفریقا نیز تأییدی بر جای نهادند و برخی از شخصیت‌های تاریخی بلوچ‌ها به‌عنوان شخصیت‌های نیمه‌افسانه‌ای به داستان‌های آفریقایی‌ها راه یافتند. در میان این شخصیت‌های نیمه‌اسطوره‌ای تاریخی، دو شخصیت برجسته عیسی بن حسین بلوچ و امیر شه‌داد کوتا همچنان جایگاه والای خود را در بین بومیان حفظ کرده‌اند و آفریقایی‌ها در محافل دوستانه و گردهمایی‌های سنتی داستان‌های جالبی از این دو شخص و کارهای مهمشان نقل می‌کنند. جالب اینجاست که بخش زیادی از این داستان‌ها و روایت‌ها عراقی‌آمیز است و به دلیل نبود اطلاعات کامل، شخصیت تاریخی آنها با هاله‌ای از افسانه‌ها در هم آمیخته است.^۱

در مجموع می‌توان گفت روابط بلوچ‌ها و بومیان شرق آفریقا همواره بر دوستی صمیمانه، احترام متقابل و تفاهم استوار بوده است تا جایی که گرچه بلوچ‌ها از بدو استقرار در کشورهای شرق آفریقا در حفظ و نگهداری هویت، سنت‌ها و فرهنگ قومی قبیلگی خویش و تمایز آن از فرهنگ بومی‌ها دقت نظر داشته‌اند، هیچ‌گاه وارد مباحث تفاخر نژادی و برتر دانستن خود در مقابل سیاه‌پوستان نشده‌اند. از این روی، برخلاف اقلیت‌های هندی مقیم کشورهای شرق آفریقا که سبک زندگی منزوی از سیاهان را برگزیده و هیچ‌گاه تمایلی برای ایجاد مناسبات دوستانه با سیاه‌پوستان نداشته‌اند، بلوچ‌ها همیشه دارای ارتباطات گرم و صمیمی با بومیان بوده و خود را بخشی از جامعه مسلمانان شرق آفریقا، فارغ از رنگ پوست و نژاد، در نظر گرفته‌اند.

چالش‌ها

به‌رغم توفیقات جوامع بلوچ در کشورهای شرق آفریقا، آنها در چند دهه گذشته با چالش‌هایی نیز مواجه بوده‌اند که تا حدودی مانع پیشرفت بیشتر آنها در کشورهای محل سکونت شده است. هرچند این مشکلات با در نظر گرفتن کشورهای محل سکونت آنها متفاوت از یکدیگر است، به طور کلی دارای شباهت‌های قابل توجهی نیز هست و در یک گروه قرار دارد. بی‌ثباتی سیاسی منطقه شرق آفریقا نظیر کودتاهای گاه به گاه یا درگیری‌های قومیتی، مهاجرت تدریجی تعداد قابل توجهی از جوانان بلوچ به کشورهای غربی در دهه‌های اخیر، فاصله گرفتن تدریجی نسل جدید از فرهنگ و سنت‌های قدیمی بلوچی، بروز برخی اختلافات بین نسل‌های جدید و قدیم بلوچ، حافظه تاریخی تلخ بومیان از مداخله غیرمستقیم بلوچ‌ها در تجارت برده در قرن نوزدهم^۲ و... چالش‌های مهمی به شمار می‌رود که خصوصاً

۱. امیربهرام عرب‌احمدی، مطالعات میدانی نویسنده، دارالسلام.

۲. بلوچ‌ها در تجارت برده و برده‌داری نقشی نداشتند، ولی با توجه به اینکه در قالب نگهبان کاروان‌های برده، وظیفه محافظت از انتقال برده‌ها از مناطق داخلی تانزانیا و کنیا امروزی به سواحل و بارگیری آنها در کشتی‌های خاص برای انتقال به اروپا بر عهده ایشان بود، از نظر بومیان در تجارت برده مشارکتی، ولو اندک، داشتند.

در دو دهه گذشته موجب دلمشغولی و نگرانی جوامع بلوچ‌های ایرانی تبار شرق آفریقا شده است. علاوه بر آن، امروزه شمار قابل توجهی از خانواده‌های بلوچ با هدف فراهم آوردن زندگی راحت‌تر و آینده‌ای بهتر برای فرزندان خود سکونتگاه‌های سنتی خویش در شهرهای کوچک کنیا، تانزانیا و اوگاندا را رها کرده و در پایتخت و شهرهای بزرگ این کشورها مستقر شده‌اند. این در حالی است که نیاکان آنها در سده‌های گذشته همواره الگوی اراده و استقامت بودند و نه تنها از زندگی در مناطق دورافتاده و صعب‌العبور کشورهای شرق آفریقا استقبال می‌کردند، بلکه استقرار در این مناطق را آزمونی برای تداوم روحیه سخت‌کوشانه خود در نظر می‌گرفتند.^۱

در مجموع می‌توان گفت بلوچ‌های ایرانی‌الصل ساکن شرق آفریقا امروزه با برخی چالش‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی مواجه هستند و با وجود موفقیت‌هایی که به دست آورده‌اند، باید بخشی از پتانسیل خود را مصروف غلبه بر این مشکلات نمایند.

نتیجه‌گیری

این مقاله با توجه به نظریه «شاخص یکپارچگی در مدل فرهنگ‌پذیری» پروفیسور بورهیس به بررسی انتظارات فرهنگی جامعه بومیان آفریقایی، به‌عنوان جامعه میزبان، و جهت‌گیری فرهنگی مهاجران بلوچ پرداخته است. براساس این نظریه، چون مهاجران بلوچ ایرانی با مردم بومی ارتباط صمیمانه‌ای برقرار کردند، موفق شدند خود را به‌عنوان بخشی از جامعه شرق آفریقا معرفی کنند. در واقع مطابق با الگوی فرهنگ‌پذیری بورهیس، بلوچ‌های ایرانی تبار مهاجر به شرق آفریقا موفق شده‌اند به گونه‌ای هوشمندانه و البته به صورت غیرمستقیم، علاوه بر پاسداشت میراث فرهنگی خود، برخی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و همچنین خرده‌فرهنگ بلوچ را در بین سواحیلی‌زبانان آفریقایی شرقی ترویج و به آنان معرفی کنند و در عین حال بخش‌هایی از فرهنگ ملی جوامع مقصد را نیز در درون خود جای دهند. علاوه بر آن، مهاجران بلوچ در مدت اقامت طولانی خود در کشورهای شرق آفریقا به تدریج بر دستاوردهای علمی و فرهنگی خود افزوده و گام به گام به‌عنوان عناصری تأثیرگذار در جوامع میزبان به ایفای نقش پرداخته‌اند. به موازات آن، بلوچ‌ها همواره روابط دوستانه خود را با بومیان تقویت کرده و در طول قرن‌ها اقامت در تانزانیا، کنیا و اوگاندا هیچ‌گاه دچار تنش و اختلافی با میزبانان خود نشده‌اند که این نمایانگر احترام آنها به فرهنگ و آداب و رسوم کشورهای مقصد و تلاش برای تداوم تعامل مؤثر با مردم شرق آفریقا است. هرچند نخستین مهاجران بلوچ به شرق آفریقا سواد خواندن و نوشتن نداشتند و تنها به‌عنوان جنگجویان حرفه‌ای شناخته می‌شدند، امروزه بلوچ‌های ایرانی تبار در زمره اقلیت‌های تحصیل کرده در کشورهای

۱. امیربهرام عرب‌احمدی، مطالعات میدانی نویسنده، دارالسلام و زنگبار.

کنیا، اوگاندا و تانزانیا به شمار می‌روند و تعداد زیادی از آنها از جایگاه اقتصادی قابل توجهی برخوردارند. اگرچه بلوچ‌ها معمولاً دست‌اندرکار فعالیت‌های اقتصادی هستند، برخی از آنها در عرصه سیاست نیز خوش درخشیده و به مسئولیت‌های سیاسی بالایی دست یافته‌اند که برای مثال می‌توان به رستم عزیز تاجر بسیار بانفوذ و نماینده سابق پارلمان تانزانیا، هارون ملا پیرمحمد نماینده فعلی مجلس تانزانیا، شیخ محمد دوری محمد یعقوب سفیر قبلی کنیا در عمان و بوری محمد حمزه وزیر اسبق ایالتی دفتر نخست‌وزیری در امور محیط‌زیست جمهوری فدرال سومالی اشاره کرد. بلوچ‌ها همچنین مدیریت تعدادی از کارخانجات و شرکت‌های بزرگ تجاری را در شرق آفریقا بر عهده دارند.^۱ برخی از بلوچ‌ها نیز که در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی تحصیل کرده‌اند در زمینه‌های پزشکی، قضایی، دانشگاهی و املاک و مستغلات به مشاغل مهمی دست یافته‌اند.^۲

جالب اینجاست که جوامع بلوچ شرق آفریقا همچنان زبان فارسی را نماد هویت ملی خود می‌دانند و در عین حال زبان‌های سواحیلی و بلوچ را نیز در ارتباطات روزمره خود استفاده می‌کنند. بسیاری از خانواده‌های بلوچ در اوگاندا، تانزانیا و کنیا، به‌رغم اقامت طولانی در این کشورها، تسلط نسبی خود را به زبان‌های فارسی و بلوچی حفظ و آن را به فرزندان خود نیز منتقل کرده‌اند. برخی از شخصیت‌های فرهنگی بلوچ در کشورهای شرق آفریقا نیز در دهه‌های اخیر با تأسیس «انجمن فرهنگی ایرانیان بلوچ» و برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی و بلوچی تلاش می‌کنند زبان‌های فارسی و بلوچی را به نسل‌های جوان آموزش دهند و سنت‌ها و آداب و رسوم ایرانی را زنده نگه دارند. بزرگان جوامع بلوچ در کشورهای اوگاندا، تانزانیا و کنیا با هدف حفظ ریشه‌های ایرانی خود به طور مرتب به ایران سفر می‌کنند و علاقه وافری به تحکیم پیوندهای خود در منطقه بلوچستان استان سیستان و بلوچستان دارند.

کتابنامه

- جعفریان، رسول. *جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام*، قم: انصاریان، ۱۳۷۱.
- حسین‌بر، محمد. «مهاجرت بلوچ‌ها به شرق آفریقا»، مصاحبه توسط نویسنده، ۱۰ اردیبهشت، ۱۴۰۱.
- سپاهی، عبدالودود. *بلوچستان در عصر قاجار: بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان از ابتدای سلطنت قاجار تا نهضت مشروطه*، قم: گلستان معرفت، ۱۳۸۵.
- عرب احمدی، امیربهرام. «بلوچ‌های ایرانی در شرق آفریقا»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۱، ص ۷۶-۸۵.

عرب‌احمدی، امیربهرام. *مطالعات میدانی نویسنده، دارالسلام و زنگبار*، ۲۰۲۲.

مرادی، مسعود، و زین‌افضل، مهدی و صاحبکاران، معصومه. «اداره بلوچستان از طریق حاکمان کرمان (از دوره ناصری

1. DadkarimGulam, "Baluch Communities in Africa", p. 1.

2. Fakirdad, "Baluchis in East Africa", p. 2.

تا اوایل پهلوی)»، پیام بهارستان، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۹۴، ص ۲۴۷-۲۶۲.
واتسون، روبرت گرنیت. تاریخ ایران، تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۵۴.

- Ahmad, Mojib. "Baluchis Minority in DRC", Interview by Author, November 5, 2019.
- Alzidjaly, Abdalla Mohamed Nurmohamed Abdalla Jamadar. "Haji Mirdor Mirhadad Gulamqadir Buladi", Interview by Author, 2020.
- Bearman, Peri et al. *Encyclopedia of Islam*, Leiden: Brill, 2010.
- Bourhis, Richard. "Towards an Interactive Acculturation Model: A Social Psychological Approach", *International Journal of Psychology* 32, 6 (1997), pp. 369-386. <https://doi.org/10.1080/002075997400629>
- Breseeq Taj, Mohammad. *Baloch Nationalism: Its Origin and Development up to 1980*, ProQuest LLC, 2017.
- Burton, Sir Richard Francis. *Zanzibar: City, Island, and Coast*. Tinsley brothers, 1872.
- Burton, Richard Francis. *The Lake Regions of Central Africa a Picture of Exploration*, London: Longman, 1860.
- Byrne, Peter. *A Short History of Mafia*. London: Kings College, London: Kings College, 2004.
- Clarke, Colin. Peach, Ceri & Vertovec, Steven. *South Asians Overseas: Migration and Ethnicity*, Cambridge: Cambridge University Press, 1990.
- Collins, Douglas. *Tales from Africa*. East African Educational Publishers, 1995.
- Coupland, Sir Reginald. *East Africa and its invaders*, Oxford: Oxford University Press, 1936.
- DadkarimGulam, Shahmorad. "Baluch Communities in Africa", Interview by Author, April 14, 2020.
- Dolbey, Robert Valentine. *Sketches of the East Africa Campaign*, Whitefish: Kessinger Publishing, 2004.
- Droogers, Peter et al. *Green water credits: Basin identification. Green Water Credits Report 1, ISRIC Report*, Wageningen: ISRIC – World Soil Information, 2006.
- Fakirdad, Abdulhamid Suleiman. "Baluchis in East Africa", Interview by Author, May 4, 2020.
- Franks, Tom & Lankford, Bruce A. and Mdemu, Makarius. "Managing Water Amongst Competing Uses: The Usangu Wetland in Tanzania", *Wiley InterScience* 53 (2004), pp. 277-286, 2004.
- Gregory, Robert. *India and East Africa: a History of Race Relations within the British Empire 1890-1939*, London: Clarendon Press, 1971.
- Hassani, A. "Emergence of Insecurity in Sistan & Baluchistan after the victory of Islamic Revolution", *Social Sciences Studies* 19 (2019).
- Jaafar Mohammad Kaderbakhsk Kadu, "The story of Balochis in East Africa", Interview by

Author, April 11, 2020.

Jahani, Carina. *Language in Society: Eight Sociolinguistic Essays on Baluch*, Uppsala: Uppsala University, 2000.

Jidgal, Abdullah Mohammad Abdullah. "Minister Buri", Interview by Author, May 30, 2020.

Johnston, Harry Hamilton. *The Nile Quest: A Record of the Exploration of the Nile and Its Basin*, Cambridge University Press, 2011.

Kadu, Jaafar Mohammad Kaderbakhsk. *The Warm Breeze of Balouchistan and the East African*, Dar es Salaam, 2012.

Kangalawe, R. Y. M., Mwam, D. G. & Mbonile, M. J. "Land Management Systems and Their Environmental", *Journal of the Geographical Association of Tanzania* 32 (2007), pp. 15-32.

Kissawike, Kalunde. *Irrigation--based Livelihood Challenges and Opportunities A gendered technography of irrigation development intervention in the Lower Moshi irrigation scheme in Tanzania*. Wageningen: CERES –Research School for Resource Studies for Development Wageningen Universiteit, 2008.

Library Museum and Document Center. "Library, Museum and Document Center of Islamic Consultative Parliament", *Document No. 6444562035 and Document Number 1000115588*. Tehran, Iran: Library, Museum and Document Center of Islamic Consultative Parliament. n.d.

Lodhi, Abdulaziz Y., *Oriental Influences in Swahili A Study in Language and Culture Contacts*, Orientalia et Africana Gothoburgensia, 2000.

Lodhi, Abdulaziz Y. "Convergence of Languages on the East African Coasts", In *Linguistic Convergence and Areal Diffusion. Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*, ed. É. Á. Csató, London, New York: Routledge Curzon, 2005.

Lodhi, Abdulaziz Y. "The Baluchi of East Africa: Dynamics of Assimilation and Integration," *The Journal of the Middle East and Africa* 4, no 2 (October 2013), pp. 127-134.

Masija, E. H. *Irrigation of wetlands in Tanzania*, Dar es Salaam: Ministry of Agriculture, Livestock and Cooperatives, n.d.

Middleton, John. *The World of the Swahili, an Africa Mercantile Civilization*, Yale University Press, 1992.

Miles, Samuel Barrett. *Countries and Tribes of the Persian Gulf*, London: Frank Cass and Co. Ltd, 1966.

Mohamed Bakari, Saad Yahya. *Islam in Kenya: proceedings of the National Seminar on Contemporary Islam in Kenya*, Mewa Publications, 1995.

Nicolini, Beatrice. "Ibādi Press in Zanzibar 'al-Sultaniyya': The (Re)-Invention of Tradition

- between 'Oman and Eastern Africa", *Sixth Conference on IBĀDĪSM and Oman Institute of Oriental Manuscripts*, St. Petersburg: Russian Academy of Sciences, 2015.
- Nicolini, Beatrice. "Notes on Asian presence along the Swahili coast during the nineteenth century", *Quaderni Asiatici 107* (September, 2014), pp. 61-86.
- Nimtz, August H. *Islam and Politics in East Africa: The Sufi Order in Tanzania*, Minnesota: University of Minnesota Press, 1980.
- NoorMohamed, Abdul kadir. "The Baluch of East Africa", March 19, 2020. <https://noormohamed.net>.
- NoorMohamed, Abdul kadir. "The culture of East African Baluchis", January 1, 2020. <https://balochilinguist.wordpress.com/2011/06/08/the-culture-of-east-african-baluchis/>
- Ominde, S. H. Ominde & Simeon Hongo. *Studies in East African Geography and Development*, University of California Press, 1971.
- Patel, S., Vedeld, P. & Tarimo, A. *Irrigation Management, Institutions and Local Livelihood Adaptation on Usangu Plains, Tanzania*, Norwegian University of Life Sciences, 2014.
- Qassem, J. Z. *Dowlat al-Busaid fi Oman wa Sharq Africa: Manth Tasishan wa Hata Nahayatan Hokmha fi Zanzabar wa Bidayatu Ahduha al-Jadid fi Oman 1741-1970 (The State of Al-Busaid in Oman and East Africa: From its Establishment until the End of Its Rule in Zanzibar and ...)*, Muscat: Zayed Center for Heritage and History, 1974.
- Qassem, Jamal Zakaria. *King Abu-Saeed Government in Oman and East Africa: from its Foundation to the End in Zanzibar and Beginning of a New Era in Oman*, Muscat: Center of History and Heritage, 1974.
- Romero, Patricia W. "Seyyid Said bin Sultan BuSaid of Oman and Zanzibar: Women in the Life of this Arab Patriarch", *British Journal of Middle Eastern Studies 39, no 3 (December 2012)*: 373-392.
- Salvadori, Cynthia. *Through Open Doors: A View of Asian Cultures in Kenya*, Nairobi: Kenway Publications, 1989.
- Sheriff, Abdul. "About Baluchis in East Africa", Interview by Author, April 4, 2020.
- Stanley, Henry Morton. *How I Found Livingstone: Travels, Adventures and Discoveries in Central Africa including four months residence with Dr. Livingstone*, Gutenberg EBook, 1872.
- Stanley, Henry Morton. *Livingstone's Life Work: Or, Africa and Its Explorers. A Narrative of the Life, Travels, Adventures, Experiences, and Achievements of Dr. David Livingstone, Including His Discovery by Henry M. Stanley*, Columbian Book Company, 1875.
- Taheri, Ahmad Reza. *The Baloch in Post Islamic Revolution Iran: A Political Study*, Lulu.com, 2012.